

## قرض‌گیری فعل «است» و گونه‌های آن در گویش عربی سراب

حامد نوروزی\*

زینب صالحی\*\*

### چکیده

قرض‌گیری فرآیندی زبانی است که در زبان‌شناسی در زمانی بررسی می‌شود. در این فرآیند، زبان عناصری را از زبان دیگر قرض می‌گیرد. این فرآیند معمولاً در مناطقی رخ می‌دهد که دو زبان با یکدیگر برخورد می‌کنند و به مدت طولانی تماس دارند. یکی از مناطق ایران که چنین موقعیتی دارد، جنوب خراسان است. در این منطقه، عرب‌هایی زندگی می‌کنند که احتمالاً تاریخ مهاجرت آنها به قرون نخست اسلامی بازمی‌گردد. در این مقاله به بررسی فرآیند قرض‌گیری فعل «است» و گونه‌های آن در روستای عرب‌نشین سراب می‌پردازیم. فعل اسنادی فارسی به سه صورت est (با تحول آوایی، صرفی و معنایی)، hast (بدون تحول) و mest (به‌مثابه اسم فاعل) در این گویش کاربرد دارد. در گویش عربی سراب، فعل «است» و گونه‌های آن در سه وجه اخباری، التزامی و امری به کار می‌رود. کاربرد شناسه‌های عربی در ساختار فعلی «است» در این گویش و ساخت فارسی آن تفاوت دارد.

**کلیدواژه‌ها:** فعل اسنادی «است»، قرض‌گیری، گویش عربی، جنوب خراسان، روستای سراب.

---

\* استادیار دانشگاه بیرجند [hd\\_noruzi@birjand.ac.ir](mailto:hd_noruzi@birjand.ac.ir)

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد [salehi.zeinab@um.ac.ir](mailto:salehi.zeinab@um.ac.ir)

---

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۳

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۶، شماره ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

## مقدمه

فعل اسنادی<sup>۱</sup> یا رابط، فعل یا شبه‌فعلی<sup>۲</sup> است که نهاد<sup>۳</sup> را به گزاره<sup>۴</sup> متصل می‌کند (مورو، ۱۹۹۷: ۷۴) و در اغلب زبان‌های هندواروپایی یافت می‌شود، تاجایی که آن را یکی از ویژگی‌های این زبان‌ها دانسته‌اند (جاسانوف، ۲۰۰۳: ۱۱۲). در بسیاری از زبان‌های غیرهندواروپایی هم فعل اسنادی مشاهده می‌شود، اما نمی‌توان آن را مقوله‌ای جهانی دانست (پاستت، ۲۰۰۵: ۸). برای مثال، فارسی، که یکی از زبان‌های هندواروپایی است، فعل ربطی را در همهٔ زمان‌ها و وجه‌ها به کار می‌برد؛ درمقابل، عربی زبانی از خانوادهٔ سامی و یکی از زبان‌هایی است که اغلب پژوهشگران آن را فاقد فعل ربطی می‌دانند. البته، برخی از زبان‌شناسان عربی معتقدند فعل ربطی فقط در زمان مضارع وجود ندارد. به‌همین دلیل، گفته می‌شود «ساخت جملهٔ اسمیهٔ عربی (تقریباً معادل جملهٔ اسنادی فارسی) با مبتدا و خبر کامل می‌شود و بنابراین به فعل اسنادی یا رابط نیاز ندارد» (حلیمی، ۱۹۹۳: ۷۹). درمقابل، برخی از زبان‌شناسان عربی، تعدادی از عناصر زبانی در جملهٔ اسمیه را مشابهی برای فعل اسنادی فارسی می‌دانند. آذرنوش در این باره می‌گوید: «رابطه [= فعل اسنادی] ظاهراً در جملهٔ عربی نیست، اما در واقع به کمک بازی اعراب است که آن رابطه در جملهٔ عربی واقعیت می‌یابد؛ گویی تنوین<sup>۵</sup> است که مقابل رابطهٔ فارسی (= است) نشسته» (آذرنوش، ۱۳۷۰: ۲۰). برای مثال، «فَهُوَ کَاتِبٌ»: او نویسنده است. همان‌گونه که می‌بینیم، در جملهٔ «او نویسنده است»، «است» به‌مثابهٔ رابط نهاد و مسند به‌کاررفته و معنای لغوی جمله را کامل و جمله را دستورمند کرده است؛ زیرا در زبان فارسی جملهٔ اسنادی، بدون فعل اسنادی، ناقص و بی‌مفهوم است (نوبهار، ۱۳۷۲: ۷۹). اما در جملهٔ «هُوَ کَاتِبٌ» چنین رابطی وجود ندارد؛ زیرا با وجود مبتدا و خبر به فعل اسنادی یا رابطه نیازی وجود ندارد، نه از نظر لغوی و نه از نظر دستوری. باوجوداین، برخی چون آذرنوش تنوینی را که بر خبر وارد می‌شود، معادل فعل اسنادی «است» می‌دانند.

اما در برخی از گویش‌های عربی داخل ایران، از جمله گویش عربی سراب، برخلاف عربی معیار، در جمله‌های اسمیه رابط‌هایی وجود دارد که مبتدا و خبر را چون نهاد و مسند فارسی به یکدیگر پیوند می‌دهد. فعل اسنادی «است/ هست» گونه‌ای از این رابط‌هاست که در زمان‌های مختلف کاربرد دارد. در مقالهٔ «بررسی گویش عربی جنوب خراسان» ادعا شده است که فعل فارسی در گویش عربی روستاهای شرق شهرستان «درمیان» کاربرد ندارد

(ر.ک: سیدی و جانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷)، اما فعل اسنادی در این گویش از زبان فارسی مجاور آن قرض گرفته شده است. در این مقاله، نگارندگان برآن‌اند تا کاربردهای فعل اسنادی «است» فارسی را در ساختمان فعلی گویش عربی سراب بررسی و واکاوی کنند.

### پیشینه پژوهش

با اینکه بسیاری از پژوهشگران، عرب‌ها را نخستین ساکنان غیرایرانی خراسان پس از اسلام می‌دانند (ایوانف، ۱۹۲۶: ۱۴۹)، گویش‌های عربی جنوب خراسان، از جمله گویش عربی سراب، تاکنون، چنان‌که بایسته است، دست‌کم به اندازه گویش‌های کردی، تاتی، ترکمنی و نظیر آن، مطالعه نشده است. مقاله‌های عباسی (۱۳۷۷)، ایوانف (۱۹۲۰ و ۱۹۲۶)، ابرلینگ و همکاران (۱۹۸۶) و آموزگار (۱۳۸۷)، با اینکه از نظر تاریخی بسیار ارزشمندند، بر نکات زبانی تأکید خاصی ندارند. در زمینه بررسی زبان‌شناختی گویش‌های عربی جنوب خراسان پژوهش‌های ذیل انجام شده است: دو پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان‌های «بررسی گویش عربی منطقه عربخانه و مقایسه آن با عربی کلاسیک» (آموزگار، ۱۳۸۰) و «بررسی و توصیف گویش عربی شهرستان درمیان» (جانی، ۱۳۸۷). در هر دو مورد، تمرکز نگارندگان بر مقایسه این گویش‌ها با عربی معیار بوده است و کمتر به تأثیر فارسی رایج در منطقه بر این گویش‌ها پرداخته‌اند. مقاله سیدی و جانی (۱۳۸۷) نیز در همین زمینه تألیف شده است. دالگرن (۲۰۰۵) نیز در مقاله‌ای مختصر به توصیف برخی از ویژگی‌های زبانی گویش عربی عربخانه پرداخته است. ویندفور (۲۰۰۶)، نجفیان (۱۳۹۳) و جعفری دهقی (۱۳۹۴) در مقاله‌های دایرةالمعارفی خود بیشتر از منابع پیش‌گفته بهره برده‌اند. هیچ‌یک از منابع بالا، چنان‌که بایسته است، به مسئله قرض‌گیری‌های زبانی گویش‌های عربی جنوب خراسان و کاربرد فعل «است» و گونه‌های آن به‌منزله فعل ربطی نپرداخته‌اند.

### عرب‌های سراب سفلی (خراسان جنوبی)؛ زبان و طوایف

عرب‌های خراسان به دو دسته کلی شمالی و جنوبی تقسیم‌پذیرند. عرب‌های شمال خراسان، که در شهر سرخس (استان خراسان شمالی) سکنا گزیده‌اند، به عرب‌هایی منسوب‌اند که در زمان نادرشاه از خوزستان به این نواحی کوچ داده شدند (نجفیان، ۱۳۹۳)، اما عرب‌های جنوب خراسان، که تبار آنها را به عرب‌های بصره و کوفه و احتمالاً قبیله تمیم (جانی، ۱۳۸۷: ۱۴) نسبت می‌دهند، در سده‌های نخستین اسلامی به خراسان مهاجرت کرده‌اند (عباسی،

۱۳۷۷: ۳۱). امروزه، تنها عرب‌های خراسان جنوبی به گویش عربی سخن می‌گویند. ایوانف، نخستین محققى که به زبان این اقوام توجه کرده است، واژگان آنها را فارسی و نحوشان را عربی می‌داند (ایوانف، ۱۹۲۶: ۱۵۶)، اما با تحقیقات میدانی گسترده و عمیق‌تر می‌توان نظری مخالف این ارائه داد؛ چراکه در بررسی کلی می‌توان تأثیر شدید نحو فارسی را در این گویش مشاهده کرد. جای تردید نیست که آواها و واژگان فارسی رایج در منطقه نیز در این گویش تأثیر فراوانی برجای گذاشته‌اند. البته، باید توجه کرد که عرب‌های جنوب خراسان نیز خود به دو شاخه‌ی کلی تقسیم می‌شوند: عرب‌هایی که در منطقه‌ی عربخانه (شهرستان نهبندان) ساکن‌اند و عرب‌هایی که در منطقه‌ی درمیان سکونت دارند. یکی از مهم‌ترین روستاهای عرب‌نشین منطقه‌ی درمیان، روستای سراب سفلی (سفلا) است.

روستای سراب سفلی، از توابع شهرستان درمیان، در شرق استان خراسان جنوبی و در فاصله‌ی ۹۵ کیلومتری از مرکز استان بیرجند و ۴۰ کیلومتری از مرکز شهرستان اسدیه قرار گرفته است. از روستاهای مجاور آن می‌توان به روستاهای تخته‌جان، گیت و خلف اشاره کرد. اغلب ساکنان این روستا سنی‌مذهب (حنفی) هستند و به گویشی خاص از زبان عربی (از این پس در این مقاله: گویش عربی سراب) سخن می‌گویند. دیگر ساکنان آن شیعه‌مذهب هستند و به گویش‌های فارسی خراسان جنوبی سخن می‌گویند. جمعیت روستای سراب در منابع رسمی (مرکز آمار ایران) ۳۲۰ نفر گزارش شده است. البته، این رقم در برخی ایام چون نوروز و تابستان، که مهاجران به زادگاه خود بازمی‌گردند، افزایشی نسبی می‌یابد. شغل اصلی مردم روستا کشاورزی و عمده‌ترین محصولات آنها زرشک و عناب است. بسیاری از اهالی این روستا در کنار کشاورزی به دام‌داری نیز می‌پردازند. البته، به سبب خشک‌سالی‌های اخیر دام‌داری تقریباً از رونق افتاده و ساکنان صرفاً برای مصارف شخصی از دام‌ها نگهداری می‌کنند.

جمعیت عرب‌زبان این روستا شامل چندین طایفه است که به‌ندرت در استعمال برخی واژگان از یکدیگر متمایز می‌شوند. این طوایف عبارت‌اند از رحمانی، جابری، موسی‌حاجی، آخوندی و شامرادی. گفتنی است گویش عربی، محدود و منحصر به این روستا نیست، بلکه روستاهای دیگری چون رودرباط، خلف، درّه‌چرم و محمدیه نیز به گویش‌هایی نزدیک به این گویش سخن می‌گویند. از این میان، روستای رودرباط پیوند زبانی بیشتری با سراب دارد و این شباهت احتمالاً به دلیل تعلق نسبی ساکنان رودرباط با برخی طوایف سراب است.

### ساختار فعل در گویش عربی سراب

صیغه‌های صرفی فعل در عربی معیار چهارده صیغه است، و برطبق دستگاه‌هایی چون شمار (مفرد، مثنی، جمع)، جنس (مذکر و مؤنث)، دستگاه زمان (ماضی، مضارع، مستقبل)، جهت (لازم، متعدی) و وجه (اخباری، التزامی: شرطی و امری) شکل می‌گیرد. با وجود حفظ دستگاه جنس در گویش عربی سراب، تعداد صیغه‌های این گویش به ده صیغه کاهش می‌یابد. دلیل این کاهش از بین رفتن شمار مثنی و محدود شدن دستگاه شمار به مفرد و جمع در این گویش است. این حذف می‌تواند متأثر از فارسی در گویش عربی سراب صورت گرفته باشد. در واقع، در این گویش مانند زبان فارسی فعل جمع را برای تشبیه به کار می‌برند. البته، عدم کاربرد مثنی مختص گویش عربی سراب نیست، بلکه در لهجه‌ها از میان مظاهر مثنی، فقط اسم مثنی کاربرد دارد و صیغه مثنی در افعال گویش‌ها و لهجه‌های دیگر هم به کار نمی‌رود (ر.ک: انیس، ۱۹۵۲: ۲۰۸).

این کاهش در صیغه‌های امری نیز مشاهده می‌شود؛ بدین ترتیب که در گویش عربی سراب مانند فارسی فعل امر تنها در صیغه‌های مخاطب کاربرد دارد. امر غایب و متکلم نیز با وارد شدن لفظ «yerad» (باید) بر ابتدای صیغه‌های ذکر شده انجام می‌شود که وجه این گونه افعال را می‌توان التزامی دانست نه امری.

### فعل اسنادی «است/ هست» در گویش عربی سراب

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، فعل اسنادی «است» به تقلید از زبان فارسی در ساختار فعل در گویش عربی سراب کاربرد یافته است. این کاربرد در زمان‌های مختلف ماضی ساده، نقلی، بعید، استمراری، مضارع و مستقبل و در وجوه اخباری، التزامی و امری مشاهده می‌شود. اما این به معنای شباهت تام فعل اسنادی «است» در گویش عربی سراب با این فعل در فارسی نیست. این تفاوت‌ها را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: ۱. معنایی: در زبان فارسی «است» همواره معنای وجود داشتن چیزی یا حالتی یا انتساب چیزی به چیز دیگر را در زمان حال به صورت ممتد با اندک اشاره‌ای به گذشته نزدیک منتقل می‌کند، اما در گویش عربی سراب صورت‌های مختلف «است» در معنای «شدن» به کار می‌رود. به عبارت دیگر، این نوع فعل در گویش عربی سراب مبین نوعی تحول و از حالتی به حالت دیگر در آمدن است. در واقع، در معنای افعال تحویل عربی معیار کاربرد دارد. ۲. آوایی: «است»

فارسی در گویش عربی سراب با تغییرات آوایی روبه‌رو است: الف) حرف آغازین این فعل در فارسی «ا» مفتوح است. اما در گویش عربی سراب به صورت مکسور /?est/ تلفظ می‌شود. ب) «است» /?ast/ با همین صورت آوایی (با همزه آغازی) در فارسی تنها برای سوم‌شخص مفرد (مفرد مذکر و مؤنث غایب) و در دیگر اشخاص به صورت «هست» /hast/ (با h آغازی) به کار می‌رود. اما در گویش عربی سراب در تمامی صیغه‌ها (اشخاص) با همزه آغازی مشاهده می‌شود. گفتنی است تحول همزه آغازی به h در این گویش سبب تمایز در زمان کاربرد می‌شود؛ بدین معنی که «هست» در گویش عربی سراب برخلاف «است» تنها در حال ساده کاربرد دارد. ۳. زمانی: «است» در فارسی تنها در زمان حال ساده کاربرد دارد، اما در عربی سراب در هر سه زمان گذشته، حال و آینده کاربرد دارد. ۴. صرفی: شناسه‌هایی که به این فعل می‌پیوندند با شناسه‌های فارسی متفاوت است.

در ادامه، کاربرد فعل ذکر شده در زمان‌های مختلف به صورت جداگانه و در سه بخش وجه اخباری، التزامی و امری بررسی می‌شود. فعل را از این جهت که خبری را برساند، یا وقوع و حالت آن را با شک یا شرط همراه کند، یا درخواست یا فرمانی را برساند، به سه وجه اخباری، التزامی و امری تقسیم می‌کنند.

### وجه اخباری

صیغه‌هایی که برای بیان خبری به کار می‌روند؛ یعنی برای بیان کار یا حالتی در گذشته، اکنون یا آینده به کار گرفته می‌شوند، وجه اخباری نام دارند (ناتل خانلری، ۱۳۷۲: ۲۹). هم در فارسی و هم در گویش عربی سراب، وجه اخباری یکی از پرکاربردترین وجوه فعلی است. در فارسی فعل «است» تنها برای زمان مضارع به کار می‌رود (گرچه ساخت و کاربرد شناسه‌ها در آن به شیوه فعل ماضی است که در آن سوم‌شخص مفرد دارای شناسه تھی است). فعل «است» در زمان گذشته (بودم، بودی، ...) و آینده (خواهم بود، خواهی بود، ...) از ماده «بود» ساخته می‌شود. اما در گویش عربی عربخانه فعل اسنادی «است» با انواعی از تحولات آوایی در هر سه زمان ماضی، مضارع و آینده استعمال می‌شود. در ادامه، کاربرد این فعل در زمان‌های مختلف به تفکیک بررسی شده است.

## الف. ماضی ساده

گذشته ساده یا همان ماضی مطلق فعلی است که بر زمان گذشته مطلق دلالت بکند (انوری، ۱۳۷۰: ۶۴). از نظر زمانی، فعل ماضی ساده در زبان عربی با فعل ماضی فارسی منطبق است (معروف، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در فارسی، فعل ماضی ساده از بن ماضی به‌اضافه ضمائر متصل یا همان شناسه (م، ی، یم، ید، ند) ساخته می‌شود. در عربی معیار نیز فعل ماضی متشکل از ریشه فعل و ضمائر متصل فاعلی (ا، تا، وا، ن، ت، ت، ثما، تن، ت، نا) است (شرتونی، ۱۳۸۶: ۴/۲۹). برای مثال، «ذَهَبْتُ» متشکل است از ریشه به‌اضافه شناسه‌های ماضی. البته، در برخی صیغه‌ها ضمیر فاعلی مستتر است نه متصل به فعل. ماضی ساده در گویش عربی سراب مانند عربی معیار و نیز فارسی متشکل از ریشه و بن فعل و شناسه‌ها (ضمائر متصل فاعلی) است. در ماضی ساده گویش عربی سراب، فعل اسنادی «است» به‌مثابه ریشه با تحول آوایی به‌صورت 'est به‌کار می‌رود. البته، شناسه‌های به‌کاررفته در این صیغه‌ها با عربی معیار متفاوت است. صرف این فعل در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول ۱

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	گویش عربی سراب	صیغه‌های ماضی «ذَهَبُ» در عربی معیار
اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)	من آدم شدم	ane ?ādem est-ēt	ذَهَبْتُ
دوم شخص مفرد مذکر	تو آدم شدی	ente ?ādem est-ēt	ذَهَبْتَ
دوم شخص مفرد مؤنث	تو آدم شدی	enti ?ādem est-ēti	ذَهَبْتِ
سوم شخص مفرد مذکر	او آدم شد	ohu ?ādem est-ā / est-ē	ذَهَبَ
سوم شخص مفرد مؤنث	او آدم شد	ehi ?ādem est-at	ذَهَبَتْ
اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	ما آدم شدیم	ehne ?ādem est-ēnē	ذَهَبْنَا
دوم شخص جمع مذکر	شما آدم شدید	entu ?ādem est-ētu	ذَهَبْتُمْ
دوم شخص جمع مؤنث	شما آدم شدید	entan ?ādem est-etan	ذَهَبْتُنَّ
سوم شخص جمع مذکر	آن‌ها آدم شدند	ohom ?ādem est-ow	ذَهَبُوا
سوم شخص جمع مؤنث	آن‌ها آدم شدند	ehenne ?ādem est-an	ذَهَبْنَ

روشن است که در افعال بالا، ریشه فعل گونه تحول‌یافته‌ای از «است» فارسی است، اما شناسه‌های به‌کاررفته در این صیغه‌ها همان شناسه‌ها یا ضمائر متصل فاعلی عربی معیارند که تحولات آوایی پذیرفته‌اند. مهم‌ترین تفاوت آوایی در شناسه‌های مزبور این است که در عربی معیار، هجای پایانی ریشه (در مثال پیش‌گفته: hab در ذَهَبُ) به یک واج ساکن ختم می‌شود. به‌همین دلیل، پس از آن هجای آغازی شناسه با صامت آغاز می‌شود، اما در گویش سراب احتمالاً به‌دلیل شباهت واج پایانی ریشه est و واج آغازی اغلب شناسه‌ها، که هر دو t

است، شناسه‌ها با یک مصوت آغاز می‌شوند. این مصوت گاهی همان مصوتی است که در عربی معیار شناسه به آن ختم می‌شود (دوم‌شخص مفرد مذکر:  $te < \tilde{e}ti$ ، سوم‌شخص جمع مؤنث:  $na < an$ ) و گاهی با مصوت موجود در شناسه متفاوت است (اول‌شخص مفرد:  $to < \tilde{e}t$ ، دوم‌شخص مفرد مذکر:  $ta < \tilde{e}t$ ، اول‌شخص جمع:  $nā < \tilde{e}nē$ ، دوم‌شخص جمع مذکر:  $tom < \tilde{e}tu$ ). این قانون دربارهٔ سوم‌شخص مفرد مذکر و مؤنث و سوم‌شخص جمع مذکر صدق نمی‌کند؛ چراکه در این صیغه‌ها صامت پایانی ریشهٔ عربی به مصوت آغازی شناسه افزوده می‌شود و هجای  $ba$  (سوم‌شخص مفرد مذکر)،  $bat$  (سوم‌شخص مفرد مؤنث) و  $bu$  (سوم‌شخص جمع مذکر) را پدید می‌آورد. در دو مورد اخیر، شناسه‌های گویش عربی سراب ( $-at$  و  $-ow$ ) بسیار شبیه شناسه‌های عربی معیار است.

علاوه بر این، باید توجه کرد که در اغلب صیغه‌های عربی معیار (به‌جز سوم‌شخص مفرد مؤنث و دوم‌شخص جمع مذکر) شناسه به مصوت ختم می‌شود، اما در گویش عربی سراب، شناسه‌ها معمولاً به صامت ختم می‌شوند (به‌جز دوم‌شخص مفرد مؤنث، سوم‌شخص مفرد مذکر، اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث)، دوم‌شخص جمع مذکر).

#### ب. ماضی استمراری

در زبان فارسی، فعل ماضی استمراری به فعلی اطلاق می‌شود که بر انجام کاری پیوسته در گذشته دلالت دارد و متشکل از پیشوند «می» به‌علاوهٔ فعل ماضی مطلق است: می‌رفتم، می‌رفتی... ماضی استمراری در عربی معیار، در جمله‌هایی با یکی از این ساخت‌ها به‌کار می‌رود: ۱.  $كانَ$  یا  $عَادَ$  + مضارع همان فعل: « $كانَ$  یذهب»؛ ۲. « $لو$ » + فعل شرط و جواب شرط: « $لو$  دَرَسْنَا لَنَجِحْنَا»؛ ۳. فعل ماضی + فاعل (یا) مفعول معرفه + (واو) حالیه + مبتدا + خبر (فعل مضارع): « $رَأَيْتُ$  علیاً هنا و هو لا یدری أنا واقفةٌ هنا»؛ ۴. فعل ماضی + فاعل (یا) مفعول (نکره) + جملهٔ وصفیه‌ای که فعلش مضارع باشد: « $رَأَيْتُ$  طفلاً یبکی» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۷۴). ساخت ماضی استمراری در گویش عربی سراب تحت تأثیر ساخت اول ( $كانَ$  + فعل مضارع) شکل گرفته است. در این گویش، فعل  $kon$  به‌مثابهٔ فعل کمکی به صیغه‌های مختلف مضارع افزوده می‌شود. در این گویش فعل «است» ( $< /est$ ) ریشه فرض شده و در صیغه‌های مختلف مضارع صرف شده است. مطابق همین الگو، ماضی استمراری ساخته شده است. صرف صیغه‌های این فعل در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲

گویش عربی سراب	معادل فارسی	صیغه‌های صرفی
ane zen kon a-st-i	من (مذکر) خوب می‌شدم.	اول شخص مفرد مذکر
ane zen kon a-st-i	من (مؤنث) خوب می‌شدم.	اول شخص مفرد مذکر
t-est-i ente zen kon	تو (مذکر) خوب می‌شدی.	دوم شخص مفرد مذکر
t-est-in enti zen kon	تو (مؤنث) خوب می‌شدی.	دوم شخص مفرد مؤنث
ohu zen kon y-est-i	او (مذکر) خوب می‌شد.	سوم شخص مفرد مذکر
ehi zen kon t-est-i	او (مؤنث) خوب می‌شد.	سوم شخص مفرد مؤنث
ehne zen kon n-est-i	ما خوب می‌شدیم.	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
t-est-un entu zen kon	شما (مذکر) خوب می‌شدید.	دوم شخص جمع مذکر
t-est-an entan zen kon	شما (مؤنث) خوب می‌شدید.	دوم شخص جمع مؤنث
y-est-un ohom zen kon	آنها (مذکر) خوب می‌شدند.	سوم شخص جمع مذکر
ehenne zen zen kon y-est-an	آنها (مؤنث) خوب می‌شدند.	سوم شخص جمع مؤنث

تفاوتی که در صرف صیغه‌های پیش‌گفته با عربی معیار وجود دارد این است که در این گویش /«kon»/ در تمام صیغه‌ها یکسان به کار می‌رود و ضمیر متصل فاعلی فقط به فعل اصلی اضافه می‌شود، اما در عربی معیار هم «کان» و هم فعل اصلی به مقتضای صیغه صرف می‌شوند.

### ج. ماضی نقلی

ماضی نقلی بر انجام کاری دلالت می‌کند که در زمان گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد یا اثر و نتیجه آن تاکنون باقی است (انوری، ۱۳۸۲: ۶۵). در زبان فارسی، ماضی نقلی با افزودن صفت مفعولی فعل اصلی به صیغه‌های مختلف فعل «استیدن» (درباره استیدن ر.ک: ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۸۱) ساخته می‌شود. ماضی نقلی در عربی معیار با یکی از این الگوها ساخته می‌شود: ۱. «قَد» + ماضی ساده: «قَد ذَهَبَ»؛ ۲. طالما، کثراً، قَلْماً + ماضی ساده: «طالماً ذَهَبَ» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۷۹)، اما در گویش عربی سراب ماضی نقلی با ساختی متفاوت به کار می‌رود. در این گویش، ماضی نقلی از اسم فاعل به اضافه شناسه ساخته می‌شود. این در حالی است که اسم فاعل در عربی معیار در معنای مضارع اخباری کاربرد دارد: أنتَ ضاحکٌ؛ تو می‌خندی (در این باره ر.ک: معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۳). این ساخت در انواع فعل‌های صحیح و سالم (dârbe)، مهموز (âcle)، معتل (qâdye, vajoe, mayte) قابل مشاهده است. ساخت ماضی نقلی «است» نیز از این قاعده مستثنی نیست و بر وزن اسم فاعل است. صیغه‌های این فعل عبارت‌اند از:

جدول ۳

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	گوش عربی سراب
اول شخص مفرد مذکر	من (مذکر) معلم شده‌ام.	ane maçallem m-est-i
اول شخص مفرد مؤنث	من (مؤنث) معلم شده‌ام.	ane maçallem m-est-eyye
دوم شخص مفرد مذکر	تو (مذکر) معلم شده‌ای.	enta maçallem m-est-i
دوم شخص مفرد مؤنث	تو (مؤنث) معلم شده‌ای.	enti maçallem m-est-eyye
سوم شخص مفرد مذکر	او (مذکر) معلم شده است.	ohu maçallem m-est-i
سوم شخص مفرد مؤنث	او (مؤنث) معلم شده است.	ehi maçallem m-est-eyye
اول شخص جمع (مذکر، مؤنث)	ما معلم شده‌ایم.	m-est-in ehne maçallem
دوم شخص جمع مذکر	شما (مذکر) معلم شده‌اید.	entu maçallem m-est-in
دوم شخص جمع مؤنث	شما (مؤنث) معلم شده‌اید.	entan maçallem m-est-eyyat
سوم شخص جمع مذکر	آنها (مذکر) معلم شده‌اند.	ohom maçallem m-est-in
سوم شخص جمع مؤنث	آنها (مؤنث) معلم شده‌اند.	ehenne maçallem m-est-eyyat

پیش از این، گفتیم که ماضی نقلی در عربی سراب از اسم فاعل به‌اضافه شناسه ساخته می‌شود. اسم فاعل مجرد بر وزن «فاعل» و اسم فاعل مزید نیز برگرفته از ساخت فعل مضارع است. به‌عبارتی، همان ساخت فعل مضارع است که حرف «میم» به‌جای حرف مضارعه آن فعل قرار می‌گیرد. باتوجه به تعداد حروف ریشه، «است» فعل ثلاثی مجرد محسوب می‌شود، اما همان‌گونه که مشاهده شد، در گویش عربی سراب این فعل ثلاثی مزید پنداشته شده و با افزودن m- به‌جای حرف مضارعه، صیغه‌های مختلف فعل ساخته شده است.

#### د. ماضی بعید

ماضی بعید فعلی است که بر انجام کاری در زمان گذشته دور دلالت دارد و از اسم مفعول فعل اصلی به‌اضافه صرف صیغه‌های مختلف فعل «بودن» در زمان ماضی ساده ساخته می‌شود (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۳۵). ماضی بعید در عربی معیار یکی از این ساخت‌ها را دارد: ۱. کان (به‌مقتضای صیغه) + قَد + فعل ماضی: «کانَ قد ذهبَ»؛ ۲. فعل ماضی + فاعل یا مفعول (معرفه) + (واو) حالیه + قَد + فعل ماضی: «ذَهَبَ عَلَيَّ و قَد نَظَرَ إِلَيْنَا» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۷۰). اما در گویش عربی سراب، ماضی بعید از اضافه‌شدن kon به ماضی نقلی (مطابق همین گویش) ساخته می‌شود. یگانه‌شباهت این ساختار با ساخت ماضی بعید در عربی معیار در استفاده از «کان» است.

در گویش عربی سراب، «است» (</est/) در ساخت ماضی بعید نیز به‌کار رفته است. در این ساختار /est/ به همان صورت ماضی نقلی (صرف صیغه‌های مختلف اسم مفعول: m-

قرض‌گیری فعل «است» و گونه‌های آن در گویش عربی سراب، صص ۲۳۱-۲۵۲  
 est-i و جز آن قابل مشاهده است. در جدول ۴ صیغه‌های مختلف ماضی بعید در ساختار  
 مزبور نشان داده می‌شود:

جدول ۴

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	گویش عربی سراب
اول شخص مفرد مذکر	من آدم شده بودم	ane ?ādem kon m-est-i
اول شخص مفرد مؤنث	من آدم شده بودم	ane ?ādem kon m-est-eyye
دوم شخص مفرد مذکر	تو آدم شده بودی	ente ?ādem kon m-est-i
دوم شخص مفرد مؤنث	تو آدم شده بودی	enti ?ādem kon m-est-eyye
سوم شخص مفرد مذکر	او آدم شده بود	ohu ?ādem kon m-est-i
سوم شخص مفرد مؤنث	او آدم شده بود	ehi ?ādem kon m-est-eyye
اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	ما آدم شده بودیم	ehne ?ādem kon m-est-in
دوم شخص جمع مذکر	شما آدم شده بودید	entu ?ādem kon m-est-in
دوم شخص جمع مؤنث	شما آدم شده بودید	entan ?ādem kon m-est-eiyyat
سوم شخص جمع مذکر	آنها آدم شده بودند	ohom ?ādem kon m-est-in
سوم شخص جمع مؤنث	آنها آدم شده بودند	ehenne ?ādem kon m-est-eiyyat

افزون بر توضیحاتی که قبلاً داده شد، روشن است که اغلب شناسه‌های ماضی نقلی و بعید میان دو یا چند فعل مشترک است. به عبارتی، شکل فعل به کاررفته برای اشخاص مختلف با یکدیگر یکسان است. برای تشخیص شخص این گونه افعال باید به دنبال ضمیر منفصلی که در جمله ذکر می‌شود یا قرینه‌ای در کلام باشیم.

#### ۵. بحثی درباره شناسه‌های ماضی

همان گونه که روشن است، شناسه‌های ماضی نقلی و بعید «است» (< /est/ ) با شناسه‌های بقیه افعال (ماضی ساده و استمراری) متفاوت است. به صورت کلی، می‌توان این تفاوت را در چهار بند خلاصه کرد: ۱. شناسه مفرد مذکر (اول، دوم و سوم شخص) در این ساخت و ساخت ماضی استمراری /i/ است؛ ۲. شناسه مفرد مؤنث (اول، دوم و سوم شخص) در این ساخت /eyye/ است؛ ۳. شناسه جمع مذکر (اول، دوم و سوم شخص) و اول شخص جمع مؤنث در این ساخت /in/ است؛ ۴. شناسه جمع مؤنث (دوم و سوم شخص) در این ساخت /eyyat/ است؛ بنابراین، می‌توان جدول مقایسه‌ای شناسه‌های ماضی نقلی و ماضی ساده در گویش عربی سراب را به این صورت نشان داد:

## جدول ۵

عربی معیار	ماضی بعید و ماضی نقلی	ماضی استمراری (شناسه‌های مضارع)	ماضی ساده	صیغه‌های صرفی
to	i	i	ēt	اول شخص مفرد مذکر
to	eye	i	ēt	اول شخص مفرد مؤنث
ta	i	i	ēt	دوم شخص مفرد مذکر
te	eye	in	ēt i	دوم شخص مفرد مؤنث
a	i	i	â	سوم شخص مفرد مذکر
at	eye	i	at	سوم شخص مفرد مؤنث
nâ	in	i	ēnē	اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)
tom	in	un	ētū	دوم شخص جمع مذکر
tonna	eyyat	an	ētān	دوم شخص جمع مؤنث
u	in	un	aw	سوم شخص جمع مذکر
na	eyya	an	an	سوم شخص جمع مؤنث

همان‌گونه که در جدول ۵ می‌بینیم، شناسه‌های ماضی ساده و ماضی نقلی در گویش عربی سراب با یکدیگر متفاوت‌اند. شناسه اول شخص ماضی ساده برای مؤنث و مذکر یکسان است، اما در ماضی نقلی شناسه این دو متفاوت است. در ماضی ساده فقط شناسه اول شخص مفرد و دوم شخص مفرد مذکر با یکدیگر یکسان است. اما همان‌طور که می‌بینیم، یکسانی برخی شناسه‌ها با یکدیگر در ماضی نقلی بیشتر است؛ بنابراین، می‌توان تعداد شناسه‌های ماضی نقلی و بعید را چهار شناسه دانست و تعداد شناسه‌های ماضی ساده را نه شناسه و شناسه‌های ماضی استمراری را چهار شناسه برشمرد.

**و. مضارع ساده**

مضارع ساده در فارسی، فعلی است که بر وقوع یا عدم وقوع حالت یا رویدادی در زمان حال یا آینده دلالت کند و فاقد پیشوند «می» یا «ب» باشد (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۶۱). «مضارع ساده فارسی با مضارع عربی به شرط خالی بودن از ناصب یا جازم—مطابقت می‌کند. بدیهی است این نوع از مضارع مختص شعر و نثر کهن است و در نثر امروزی استعمال نمی‌شود: گویند= یقال» (معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۲). در گویش عربی سراب نیز برای ساخت فعل مضارع یکی از حروف مضارعه (أ، ت، ی، ن) در ابتدای فعل قرار می‌گیرد و ضمیر متصل فاعلی در برخی صیغه‌ها به انتهای فعل می‌پیوندد. اما از این جهت که گاهی فعل ماضی عیناً در ساخت مضارع استعمال نمی‌شود نمی‌توان گفت یکی از حروف مضارعه

به ابتدای فعل ماضی می‌پیوندد. برای مثال، این نکته را به‌وضوح در فعل /qedâ/ و مضارع آن /yâqâdi/ می‌توان دید.

در عربی سراب ساخت فعل مضارع ساده از «است» ویژگی‌های خاصی دارد. نخستین ویژگی این است که فقط در فعل مضارع ساده، فعل «است» به‌صورت «هست» /hast/ به‌کار می‌رود. دومین ویژگی این است که فعل /hast/ صرفاً در شش صیغه (دو صیغهٔ متکلم و چهار صیغهٔ مخاطب) به‌کار رفته است. صرف این شش صیغه در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶

صیغه‌های صرفی	فارسی	گویش عربی سراب
اول‌شخص مفرد مذکر	من پسر هستم	ane vold hast
اول‌شخص مفرد مؤنث	من دختر هستم	ane bent hast-e
دوم‌شخص مفرد مذکر	تو پسر هستی	ente vold hast
دوم‌شخص مفرد مؤنث	تو دختر هستی	enti bent hast-e
اول‌شخص جمع (مذکر و مؤنث)	ما پسر/ دختر هستیم	ehne volâd/ benât hast-in
دوم‌شخص جمع مذکر	شما پسر هستید	entu volâd hast-in
دوم‌شخص جمع مؤنث	شما دختر هستید	entan benât hast-ât

علاوه‌بر ویژگی‌های پیش‌گفته، در کاربرد فعل hast (مضارع ساده) نکته‌های ذیل درخور توجه است: ۱. این فعل فارسی بدون تحول آوایی در گویش عربی سراب به‌کار می‌رود. ۲. hast یگانه فعلی است که بدون افزودن حروف مضارعه به ابتدای آن در زمان مضارع به‌کار می‌رود (در این باره ر.ک: ادامهٔ مقاله). این امر نشان می‌دهد که از دید کاربران مفهوم زمان مضارع به‌خودی‌خود در فعل hast وجود دارد. ۳. شناسه‌هایی که در این ساخت کاربرد دارد، در برخی صیغه‌ها با شناسه‌هایی که تاکنون در ساخت‌های ماضی ساده و استمراری دیدیم متفاوت است، اما با شناسه‌های ماضی نقلی و بعید کاملاً یکسان است. در واقع، شناسه‌های مضارع ساده /hast/ و ماضی نقلی و ماضی بعید یکی است.

### ز. مضارع اخباری

در فارسی، مضارع اخباری در بردارندهٔ الگوی می + بن مضارع + شناسه است: می‌روم. در عربی معیار یکی از دو الگوی ذیل با مضارع اخباری فارسی برابری می‌کند: ۱. فعل مضارع بدون عامل نصب یا جزم: یَتَسَرَّبُ (نشت می‌کند) (حرف مضارعه + بن فعل + شناسه) ۲. اسم فاعل در جایگاه خبر جملهٔ اسمیه: مُتَسَرَّبٌ (نشت می‌کند) (معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

در گویش عربی سراب، فعل «است» در قالب فعل مضارع اخباری نیز کاربرد دارد، اما نه در معنای فارسی آن، بلکه در معنای «شدن» استعمال می‌شود. در جدول ۷، صیغه‌های فعل پیش‌گفته به‌همراه صرف صیغه‌های مضارع فعل «ذَهَبَ» در عربی فصیح ذکر شده است:

جدول ۷

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	گویش عربی سراب	صیغه‌های مضارع «ذَهَبَ» در عربی معیار
اول شخص مفرد (مذکر و مؤنث)	من دکتر می‌شوم	ane doktor a-st-i	أذهبُ
دوم شخص مفرد مذکر	تو دکتر می‌شوی	ente doktor t-est-i	تذهبُ
دوم شخص مفرد مؤنث	تو دکتر می‌شوی	enti doktor t-est-in	تذهبین
سوم شخص مفرد مذکر	او دکتر می‌شود	ohu doktor y-est-i	یذهبُ
سوم شخص مفرد مؤنث	او دکتر می‌شود	ehi doktor t-est-i	تذهبُ
اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	ما دکتر می‌شویم	ehne doktor n-est-i	نذهبُ
دوم شخص جمع مذکر	شما دکتر می‌شوید	entu doktor t-est-un	تذهبون
دوم شخص جمع مؤنث	شما دکتر می‌شوید	entan doktor t-est-an	تذهبن
سوم شخص جمع مذکر	آنها دکتر می‌شوند	ohom doktor y-est-un	یذهبون
سوم شخص جمع مؤنث	آنها دکتر می‌شوند	ehenne doktor y-est-an	یذهبن

ترکیب فعل اسنادی فارسی و ساخت فعل عربی در صیغه‌های مضارع فعل اسنادی گویش عربی سراب نیز مانند صیغه‌های ماضی کاملاً مشهود است. در صیغه‌های مضارع اخباری فعل /est/ ریشه فرض می‌شود و دو تکواژ فعل مضارع عربی معیار به آن افزوده می‌شود: ۱. حروف مضارعه: این حروف متناسب با هر صیغه پیش از ریشه /est/ قرار می‌گیرند. ۲. شناسه‌های تحول‌یافته فعل مضارع عربی معیار که پس از فعل /est/ قرار می‌گیرد. همان‌طور که در جدول ۷ قابل مشاهده است، شناسه در اول شخص جمع و تمام صیغه‌های مفرد به‌جز دوم شخص مفرد مؤنث «i» است. این i به احتمال قریب به یقین محصول تحول آوایی شناسه /o/u/ عربی معیار است. کاربرد این شناسه در ساخت مضارع به فعل /est/ منحصر است. در دیگر افعال ساخت مضارع، شناسه صیغه‌ها مانند عربی معیار است.

### ح. مستقبل

فعل مستقبل فعلی است که بر انجام کاری در زمان آینده دلالت داشته باشد و از بن «خواه» + شناسه فعل + ماضی مطلق فعل اصلی تشکیل شود (مشکور، ۱۳۵۸: ۵۴). فعل مستقبل در عربی معیار به یکی از این شیوه‌ها ساخته می‌شود: ۱. (سین / سوف) + فعل مضارع: سيقول = خواهد گفت. ۲. إن / إذا + فعل شرط و جواب شرط.

برخلاف زبان فارسی که در ساخت فعل اسنادی مستقبل آن از ماده «بود» (خواهم بود، خواهد بود...) استفاده می‌شود، در این گویش، پایه فعل مستقبل گویش عربی سراب همچنان از فعل «است» استفاده می‌شود. در این گویش، پایه فعل مستقبل یا بخش اصلی فعل، همان فعل مضارع است، به‌اضافه لفظ «خواهد = ʔod/ʔod» که پیش از فعل مضارع قرار می‌گیرد. البته، برخی لفظ /yoʔod/ را که مضارع /ʔod/ است به‌جای آن به‌کار می‌برند. «است» در این زمان نیز همچنان معنای «شدن» را حفظ می‌کند. در جدول ۸ این کاربرد نشان داده می‌شود.

جدول ۸

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	گویش عربی سراب
اول‌شخص مفرد	من دکتر خواهم شد	ane doktor ʔod a-st-i
دوم‌شخص مفرد مذکر	تو دکتر خواهی شد	ent doktor ʔod t-est-i
دوم‌شخص مفرد مؤنث	تو دکتر خواهی شد	enti doktor ʔod t-est-in
سوم‌شخص مفرد مذکر	او دکتر خواهد شد	ohu doktor ʔod y-est-i
سوم‌شخص مفرد مؤنث	او دکتر خواهد شد	ehi doktor ʔod t-est-i
اول‌شخص جمع	ما دکتر خواهیم شد	ehne doktor ʔod n-est-i
دوم‌شخص جمع مذکر	شما دکتر خواهید شد	entu doktor ʔod t-est-un
دوم‌شخص جمع مؤنث	شما دکتر خواهید شد	entan doktor ʔod t-est-an
سوم‌شخص جمع مذکر	آنها دکتر خواهند شد	ohom doktor ʔod y-est-un
سوم‌شخص جمع مؤنث	آنها دکتر خواهند شد	ehenne doktor ʔod y-est-an

در این ساخت چند نکته درخور توجه است: ۱. شناسه برخی از صیغه‌ها در عربی معیار و گویش عربی سراب یکسان است؛ از جمله دوم و سوم‌شخص جمع مذکر. ۲. شناسه برخی صیغه‌ها با یکدیگر یکسان است؛ از جمله سوم‌شخص مفرد مذکر و مؤنث، دوم‌شخص مفرد مذکر و سوم‌شخص مفرد و جمع. ۳. حروف مضارعه «أ، ت، ی، ن» کاملاً مانند عربی معیار متناسب با هر صیغه در ابتدا قرار گرفته‌اند. ۴. در فارسی شناسه به فعل کمکی (خواستن) افزوده می‌شود و فعل اصلی در تمام صیغه‌ها به‌صورت سوم‌شخص مفرد (شد) به‌کار می‌رود، اما همان‌گونه که در جدول ۸ می‌بینیم، در گویش عربی سراب شناسه‌ها به فعل اصلی افزوده می‌شوند و فعل کمکی /ʔod/ در تمام صیغه‌ها یکسان به‌کار می‌رود. این نکته می‌تواند مانند کان و... برگرفته و متأثر از گویش فارسی این منطقه باشد: بخوا رفتم، بخوا رفتی، بخوا رفت، بخوا رفتیم، ...

#### ط. بحثی درباره شناسه‌های مضارع و مستقبل (وجه اخباری)

با توجه به جدول ۹ می‌توان شناسه‌های مضارع (ساده و اخباری) و مستقبل را در دو گروه دسته‌بندی کرد: ۱. شناسه‌های مضارع ساده؛ ۲. شناسه‌های مضارع اخباری و مستقبل. تفاوت

شناسه‌های مضارع ساده با مضارع اخباری در اینجا درخور تأمل است. دوم اینکه شناسه‌های مضارع ساده با تمام شناسه‌های فعل اسنادی در گویش مزبور متفاوت است، و سوم شناسه صیغه‌های جمع و دوم‌شخص مفرد مؤنث گویش عربی سراب با عربی معیار یکسان است.

جدول ۹

صیغه‌های صرفی	مضارع ساده /hast/	مضارع اخباری	مستقبل	عربی معیار
اول شخص مفرد مذکر	∅	i	i	o
اول شخص مفرد مؤنث	e	i	i	o
دوم شخص مفرد مذکر	∅	i	i	o
دوم شخص مفرد مؤنث	e	in	in	in
سوم شخص مفرد مذکر	-	i	i	o
سوم شخص مفرد مؤنث	-	i	i	o
اول شخص جمع (مذکر و مؤنث)	in	i	i	o
دوم شخص جمع مذکر	in	un	un	un
دوم شخص جمع مؤنث	āt	an	an	an
سوم شخص جمع مذکر	-	un	un	un
سوم شخص جمع مؤنث	-	an	an	an

### وجه التزامی

وجه التزامی آن است که کار را با شک و دودلی مانند آرزو و خواهش و امثال اینها بیان کند و چون پیرو جمله دیگر است، آن را وجه «مطبعی» نیز گویند: می‌خواهم بروم، شاید بیایم... (قریب، ۱۳۳۴: ۱۴۰). امروزه، وجه التزامی در زبان فارسی در دو زمان ماضی و مضارع به کار می‌رود. مضارع التزامی در زبان فارسی تابع این الگو است: «ب+ بن مضارع+ شناسه»: بیایم، بخورم (انوری، ۱۳۹۰: ۲۴). معادل معنایی مضارع التزامی را می‌توان در عربی معیار چنین دانست: ۱. رَبِّمَا + فعل مضارع: رَبِّمَا يَكْتُبُ. ۲. أَنْ + فعل مضارع: أَنْ يَكْتُبَ. ۳. لَيْتَ + اسم ظاهر یا ضمیر + فعل مضارع: لَيْتَ الْمَعْلَمُ يَكْتُبُ. ۴. عَلَيَّ + اسم ظاهر یا ضمیر متصل + أَنْ + فعل مضارع: عَلَيَّ الْمَعْلَمُ أَنْ يَكْتُبَ. ۵. مِنَ الْوَاجِبِ أَنْ + فعل مضارع: مِنَ الْوَاجِبِ أَنْ تَكْتُبَ. ۶. لَا يَدَّ أَنْ + فعل مضارع: لَا يَدَّ أَنْ تَكْتُبَ. ۷. لَامِ امْرُءٍ + فعل مضارع: لَامِ امْرُءٍ يَكْتُبُ (معروف، ۱۳۸۶: ۱۹۶). وجه التزامی در گویش عربی سراب در زمان مضارع نیز کاربرد دارد. اما فعل «است» در وجه التزامی در گویش مزبور ساخت خاصی ندارد، بلکه همان فعل‌های ماضی و مضارع است که قیده‌های agar و yerad/šâyad به آن اضافه شده است؛ برای مثال:

فارسی	گویش عربی سراب
اگر من دکتر می‌شدم	(agar)ane doktor est-ēt
من (باید/ شاید) دکتر بشوم	ane (yerad/šâyad) doktor a-st-i

### وجه امری

«در بعضی صیغه‌های فعل فرمانی می‌دهیم؛ یعنی به کسی می‌گوییم که کاری را انجام بدهد یا حالتی را بپذیرد: به اتاق برو و کتاب مرا بیاور... این‌گونه فعل‌ها از وجه امری است» (ناتل خانلری، ۱۳۷۲: ۳۱) و فقط در دو شخص، دوم‌شخص مفرد و دوم‌شخص جمع، کاربرد دارد (انوری، ۱۳۹۰: ۲۵). فعل امر در عربی معیار بر دو قسم امر بالصیغه و امر بالللام است. امر بالصیغه مخصوص فعل مخاطب است و فقط از فعل معلوم ساخته می‌شود، اما امر بالللام امری است که برای صیغه‌های غایب (از فعل معلوم و فعل مجهول) و مخاطب و متکلم (از فعل مجهول) کاربرد دارد.

فعل امر در گویش عربی سراب مانند فارسی فقط چهار صیغه دارد؛ به عبارتی، در همان دو شخص وجه امری فارسی (دوم‌شخص مفرد و جمع)، اما با تفکیک جنسیت. از ساخت‌های فعل امر عربی، فقط امر بالصیغه در گویش عربی سراب رایج است. در این ساخت، حرف مضارعه از مضارع معلوم حذف می‌شود و اگر فاءالفعل ساکن باشد، یک همزه به ابتدای آن افزوده می‌شود (شرتونی، ۴/۱۳۸۶: ۱۲). در گویش عربی سراب نیز در ساخت فعل امر مانند عربی معیار عمل می‌شود.

وجه امری مصدر «استیدن» در فارسی از ماده «باشیدن» ساخته می‌شود، اما در گویش عربی سراب همان فعل est، به‌مثابه ریشه فعل مضارع، با ساختاری که پیش از این گفتیم در وجه امری نیز به‌کار می‌رود:

### جدول ۱۰

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	گویش عربی سراب
دوم‌شخص مفرد مذکر	پسر خوبی شو	Volden zenen est
دوم‌شخص مفرد مؤنث	دختر خوبی شو	Benten zene est-i
دوم‌شخص جمع مذکر	پسران خوبی شوید	Voladen ziyyēn est-u
دوم‌شخص جمع مؤنث	دختران خوبی شوید	Benaten ziyyēn est-an

روشن است که فعل امر از «استیدن» فارسی در معنای «شدن» طبق ساخت فعل امری عربی ساخته شده است؛ یعنی طبق ساختار امر در عربی معیار مجزوم می‌شود، بدین ترتیب

که در دو صیغهٔ دوم شخص مفرد مؤنث و دوم شخص جمع مذکر «نون» اعراب حذف می‌شود. صیغهٔ دوم شخص جمع مؤنث نیز مانند عربی معیار مجزوم نمی‌شود.

### منفی

توضیحات و ساخت‌هایی که تاکنون بررسی شد شکل مثبت افعال بود. برای منفی کردن آنها یکی از سه شیوهٔ ذیل استفاده می‌شود:

#### الف. پیشوند منفی ساز (mā) + فعل

برای منفی کردن تمامی ساخت‌های پیش گفته در این مقاله، به جز دو ساخت، از این شیوه استفاده می‌کنیم. پیشوند منفی ساز /mā/ همان «ما»ی نفی است که در عربی معیار برای نفی دو زمان ماضی و حال کاربرد دارد (شرتونی، ۱۳۸۶/۴: ۳۷۰). در باب افعال یک‌جزئی فقط پیشوند /mā/ را بر فعل می‌افزاییم:

جدول ۱۱

نوع فعل	ترجمه	منفی	مثبت
ماضی ساده	شدم	masti	est-ēt
ماضی نقلی	شده‌ام	māmesi	m-sti
مضارع ساده	هستم	mā-n-i	hast
مضارع اخباری	می‌شوم	mā-sti	asti
امر	شو	lā-test-i	est

البته، ذکر این نکته در اینجا ضروری است که وقتی فعل ماضی ساده منفی می‌شود، مصوت /e/ حذف می‌شود و فعل به این صورت تلفظ می‌شود: /māstâ/.

اگر فعل دوجزئی (فعل کمکی + فعل اصلی) باشد، پیشوند ذکر شده پیش از فعل کمکی قرار می‌گیرد:

جدول ۱۲

نوع فعل	ترجمه	منفی	مثبت
ماضی استمراری	می‌شدم	mā kon ast-i	kon ast-i
ماضی بعید	شده بودم	mā kon m-est-i	kon m-est-i
مستقبل	خواهم شد	mā ood ast-i	ood ast-i

#### ب. پیشوند منفی ساز (mā) + صامت (n) + ضمیر متصل مفعولی

این الگو در نفی فعل مضارع ساده /hast/ کاربرد دارد. به بیانی دیگر، برای منفی کردن /hast/ از خود فعل /hast/ به منزلهٔ ریشه استفاده نمی‌شود، بلکه برای نفی آن، الگوی دیگری

پیشوند منفی ساز (mā) + صامت (n) + ضمیر متصل مفعولی را به کار می‌گیریم. شکل منفی این افعال در جدول ۱۳ ذکر شده است:

جدول ۱۳

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	گویش عربی سراب (مثبت)	گویش عربی سراب (منفی)
اول‌شخص مفرد مذکر	من پسر هستم	ane vold hast	ane vold mā-n-i
اول‌شخص مفرد مؤنث	من دختر هستم	ane bent hast-e	ane bent mā-n-i
دوم‌شخص مفرد مذکر	تو پسر هستی	ent vold hast	ent vold mā-n-āk
دوم‌شخص مفرد مؤنث	تو دختر هستی	enti bent hast-e	enti bent mā-n-eĉ
اول‌شخص جمع (مذکر/مؤنث)	ما پسر/ دختر هستیم	ehne volād/ benāt hast-in	ehne volād/ benāt mā-n-ne
دوم‌شخص جمع مذکر	شما پسر هستید	entu volād hast-in	entu volād mā-n-kom
دوم‌شخص جمع مؤنث	شما دختر هستید	entan benāt hast-āt	entan benāt mā-n-ĉen

همان‌گونه که در جدول ۱۳ می‌بینیم و پیشتر دیدیم، فعل /hast/ در صیغه‌های مخاطب و متکلم کاربرد دارد. الگوی منفی ساز پیش گفته نیز چون فعل مثبت برای همین صیغه‌ها کاربرد دارد.

### ج. پیشوند منفی ساز (lā) + فعل امری

یگانه‌کاربردی که پیشوند منفی ساز /lā/ در گویش عربی سراب دارد نفی فعل امری است. این پیشوند به ابتدای فعل امر افزوده می‌شود و شناسه‌ای که از انتهای فعل امر (مجزوم) حذف شده است در این هنگام به فعل برمی‌گردد. به عبارتی، /lā/ فعل را مجزوم نمی‌کند و شناسه‌ای که از فعل حذف شده است به انتهای آن برمی‌گردد:

جدول ۱۴

صیغه‌های صرفی	معادل فارسی	فعل امری منفی
دوم‌شخص مفرد مذکر	پسر بدی نشو	volden xāyēs lā-t-est-i
دوم‌شخص مفرد مؤنث	دختر بدی نشو	benten xayse lā-t-est-in
دوم‌شخص جمع مذکر	پسران بدی نشوید	volāden xiyyēs lā-t-est-un
دوم‌شخص جمع مؤنث	دختران بدی نشوید	bēnāten xiyyēs lā-t-est-an

در جدول ۱۴ دیدیم که حرف نفی «لا» با تلفظ /lā/ برای نفی فعل امر به کار می‌رود. این حرف در عربی معیار برای نفی ماضی و مستقبل کاربرد دارد (شرتونی، ۱۳۸۶/۴: ۳۷۰).

### نتیجه‌گیری

پس از بررسی کاررفت‌های فعل اسنادی فارسی در گویش عربی سراب به این نتایج دست یافتیم:  
 ۱. فعل اسنادی فارسی به سه صورت کاربرد دارد: (۱) /est/؛ که دچار تغییرات آوایی، صرفی و معنایی شده است. (۲) /hast/؛ که بدون هیچ تغییری در اصل فعل و با شناسه‌های



آموزگار، یوسف (۱۳۸۰) بررسی گویش عربی منطقه عربخانه و مقایسه آن با عربی کلاسیک. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷) «تاریخچه مختصر اعراب جنوب خراسان (منطقه عرب خانه)». پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب. سال چهارم. شماره ۶: ۱۷-۴۹.

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳) ماده‌های فعل‌های فارسی دری. تهران: ققنوس.

انوری، حسن (۱۳۹۰) دستور زبان فارسی ۲. ویرایش سوم. تهران: فاطمی.

\_\_\_\_\_ و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۰) دستور زبان فارسی ۲. چاپ ششم. تهران: فاطمی.

انیس، ابراهیم (۱۹۵۲) فی اللهجات العربیة. الطبعة الثانية. لجنة البیان العربی: القاهرة.

جانی، اسماعیل (۱۳۸۷) بررسی و توصیف گویش عربی شهرستان درمیان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد آموزش زبان و ادبیات عربی. دانشگاه فردوسی.

جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۴) «خراسان ۴: زبان‌ها و گویش‌ها». دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد ۲۲. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

حلیمی، احمدکمال‌الدین (۱۹۹۳) مقارنته بین النحو العربی و النحو الفارسی. الکویت: الجامعة الکویت.

سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵) دسترسی در: <http://www.amar.org.ir>

سیدی، سیدحسین و اسماعیل جانی (۱۳۸۷) «بررسی گویش عربی جنوب خراسان». مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد. شماره ۱۶۳: ۱۴۱-۱۵۴.

شرتونی، رشید (۱۳۸۶) مبادئ العربیة. جلد ۴. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.

عباسی، حبیب‌الله (۱۳۷۷) «نگاهی به پیشینه تاریخی اعراب جنوب خراسان». در دیار آفتاب (خراسان‌شناسی). به‌اهتمام محمد عزیزی. تهران: روزگار.

مشکور، محمدجواد (۱۳۵۸) دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.

معروف، یحیی (۱۳۸۶) فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی. تهران: سمت.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۲) زبان‌شناسی و زبان فارسی. تهران: توس.

نجفیان، آرزو (۱۳۹۳) «خراسان ۳: زبان‌های رایج در خراسان». دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱۵.

نوبهار، مهرانگیز (۱۳۷۲) دستور کاربردی زبان فارسی. تهران: راهنما.

Dahlgren, Sven-Olof (2005) "On the Arabic of Arabkhane in eastern Iran". in *Linguistic convergence and areal diffusion: case studies from Iranian, Semitic and Turkic*. ed. Eva Agnes Csato, Bo Isaksson and Carina Jahani. London: Routledge Curzon.

- Ivanov, V. (1920) "Further notes on gypsies in Persia". *J[R]ASB*. new series. vol.16, no.7.
- \_\_\_\_\_ (1926) "Notes on the Ethnology of Khurasan", *The Geographical journal*, vol.67, no.2.
- Jasanoff, Jay (2003) *Hittite and the Indo-European Verb*. Oxford: Oxford University Press.
- Moro, A. (1997) *The Raising of Predicates*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Oberling, P. & B. Hourcade (1986) "ARAB iv. Arab tribes of Iran," *Encyclopaedia Iranica (EIr)*, Ehsan Yarshate: ed. New York: NY. Vol. II. pp. 215-220
- Pustet, Regina (2005) *Copulas: Universals in the Categorization of the Lexicon*. Oxford studies in typology and linguistic theory. Oxford: Oxford University Press
- Windfuhr, Gernot (2006) "Iran.VII: non-Iranian languages of Iran: Arabic", *Encyclopaedia Iranica (EIr)*, Ehsan Yarshate: ed. New York: NY. Vol. XIII, pp. 401-404